



تذکره و قرائت مبتنی بر نظریه ادبی

دکتر غفار برجساز^۱دکتر شهلا خلیل‌اللهی^۲

چکیده

هدف این مقاله بررسی و مقایسه مجمع الفصحای رضا قلی خان هدایت، هفت اقلیم امین احمد رازی و تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی است. مسأله اصلی این مقاله بررسی نحوه نگارش این سه اثر است که هر یک از مؤلفان، در قرائت شان از زندگی، عصر و جایگاه هنری شاعران در آثار خود ارائه کرده اند. این مقاله به روش کتابخانه ای و به شیوه ی تحلیل محتوا نوشته شده است.

شالوده هر نظریه ی ادبی منسجم این است که ارائه قرائت کاملاً بی طرفانه از متن، و یا واکنش عاطفی یا خودانگیخته محض به متن ممکن نیست، زیرا نظریه با طرح این پرسش که چرا خوانندگان به نحوی خاص به متن واکنش نشان می دهند، به بحث در خصوص مفروضات، عقاید و احساسات ایشان می پردازد. نکته مهم این است که چه چیز موجب آن واکنش شده و یا این که خوانندگان چگونه از متن، معنا استخراج می کنند.

در این مقاله برای تبیین کیفیت قرائت و در عین حال آشکار شدن نظریه ادبی که مبنای قرائت هر یک از این مؤلفان قرار گرفته است، ترجمه حال یکی از شاعران برجسته در هر سه تذکره از این چشم انداز بررسی و تحلیل شده است.

به عنوان نمونه ای از آن در مجمع الفصحای، در ترجمه حال رودکی، رضاقلی خان هدایت محور بحث خود را بیشتر بر معرفی رودکی از منظر تاریخی و عصر او نهاده است و قرائت تاریخی او شامل نام، لقب، کنیه، وجه تسمیه و اتفاقات تاریخی و اجتماعی عصر او را در بر می گیرد و حال آنکه امین احمد رازی در قرائتی که از شرح حال و جایگاه هر صاحب ترجمه ارائه می کند، محور قرائت خود را بر سطح ادبی می گذارد. تذکره الشعراء بیشترین توجه خود را بر ذوق عرفانی و ادبی قرار داده است.

نتیجه این بررسی نشان می دهد که مجمع الفصحای با قرار دادن متن در چشم انداز تاریخی آن، به همان تفسیری از متن گستاخی یابد که مورد نظر مخاطبان اولیه اثر بوده است. نویسنده هفت اقلیم در قیاس با آن در قرائت خود از زمینه تاریخی فاصله می گیرد و بیشتر به قرائت در منظر ادبی روی می آورد؛ به گونه ای که نویسنده در پی آن است که واقعیت تاریخی را با استفاده از امکانات ادبی به

۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه شامد.

۲ - استادیار زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه شامد.



نقطه ی امتیاز تبدیل کند، اما دولتشاه سمرقندی در قرائت خود بیشتر به سوی عرفان می گراید تا تاریخ.

واژگان کلیدی: هفت اقلیم، تذکره الشعراء مجمع الفصحای، متن، قرائت.

ستایش خاموشی و تصویرهای پارادوکسی مبتنی بر آن، در غزلیات بیدل

دکتر شهلا خلیل‌اللهی^۱
دکتر غفار برجساز^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی مفهوم فلسفی و عرفانی "خاموشی" در اندیشه‌ی بیدل و چگونگی شکل‌گیری تصویرهای پارادوکسی از رهگذر آن در غزلیات اوست. مسأله‌ی اصلی این مقاله پرداختن به مفهوم "خاموشی" در آثار بیدل است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا آن جام گرفته است.

در نظر بیدل عالم هستی، ظاهر و باطنی دارد. در تعبیر او "خاموشی" باطن عالم هستی و "سخن" ظاهر آن است. خاموشی و "سخن" در زبان بیدل در معنای جزئی و محدودی که در زبان عادی رایج است به کار نرفته، بلکه دارای عمق معنایی و مفهومی وسیعی است. به عقیده‌ی او سخن و خاموشی دائماً در کنار هم قرار دارند: «تا پس زانوی خاموشی ننشینی از دبستان سخن بهره امتیاز نبینی، فهم سخن بی خاموشی صورت نبندد و غور معنی با تأمل به حصول نیبوند.» نتیجه‌ی این اندیشه نغی "دعوی هستی" از سوی انسان است. از سوی دیگر بیان نقضی و پارادوکسی که مهم‌ترین ابزار بلاغی و امکان ادبی در بوطیقای بیدل است، در بیان و به تصویر کشیدن این اندیشه "ستایش خاموشی" هم جایگاه ویژه‌ای دارد.

واژگان کلیدی: بیدل، خاموشی، پارادوکس، زبان و بیان.

در نظر بیدل عالم هستی دو لایه دارد، یکی ظاهر و دیگری باطن. در نظر او باطن عالم هستی "خاموشی" است و ظاهر آن "سخن" است:

خامه‌ی نقاش کارگاه صور در رهن جنبش "سخن" است و کرده کیفیت حسن معانی در پرده "خاموشی" بی ما و من. ماده شوخی‌های این صور و معانی صدف استعداد انسانی است و استعداد انسانی ناشی از تحریک اتمل رحمتی. (چهار عنصر، ص ۲۴۷)

۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه شاهد

۲ - استادیار زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه شاهد

منابع

۱. آقابزرگ طهرانی، (۲۰۰۹ م)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، دار احیاء، بیروت، چاپ اول.
۲. اوحدی، تقی‌الدین محمد، (۱۳۸۸)، تذکره‌ی عرفات العاشقین (۷ جلدی)، به کوشش محسن ناجی، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول.
۳. باسورت، ادموند کلیفورد، (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جدید، مترجم فریدون بدره‌یی، انتشارات باز، تهران، چاپ اول.
۴. تمیم داری، احمد (۱۳۷۲)، عرفان و ادب در عصر صفوی (۲ جلدی)، انتشارات حکمت، تهران، چاپ اول.
۵. دانشنامه زبان و ادب فارسی در شهبازه، ج ۱ (۱۳۸۴)، «پیشگفتار»، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، چاپ اول.
۶. درخشان، مهدی، (۱۳۷۴)، بزرگان و سخن سرایان همدان، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول.
۷. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، تهران، چاپ هفتم.
۸. ظهور الدین، احمد، (۱۳۸۵)، تاریخ ادب فارسی در پاکستان، (۲ جلدی)، مترجم شاهد چوهدری، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، چاپ اول.
۹. گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۹)، کاروان هند (۲ جلدی)، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول.
۱۰. ملا عبدالنبی فخر الزماتی، (۱۳۶۳)، تذکره‌ی میخانه به کوشش احمد گلچین معانی، انتشارات اقبال، تهران، چاپ چهارم.
۱۱. واله داغستانی، (۱۳۸۴)، تذکره‌ی ریاض الشعرا (۵ جلدی)، به کوشش محسن ناجی، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول.